



۲۰۱۶/۰۸/۱

جلیل غنی هروی

ابعاد خارجی و داخلی بحران افغانستان و پی‌آمدهای آن

با آغاز سال نو عیسوی چنین معلوم میشود که بحران سیاسی افغانستان مسیر شدید شدن را می‌پیماید. از یک جانب سازش‌ها و ائتلاف‌های جدید و پشت‌پرده برای مداخلات بیشتر در افغانستان از طرف همسایگان دور و نزدیک در حال تشکل است و از جانب دیگر زد و بند‌های جدید سیاسی در داخل هم بین شرکای دولت و وحدت ملی، جمعیت اسلامی، هم با حکومت روز بروز آشکارتر میگردد.

در بخش خارجی، روسیه چین و پاکستان در ماسکو روز سه‌شنبه هفته گذشته برای بررسی اوضاع افغانستان بدون اشتراک نماینده دولت افغانستان جلسه کردند و قرار است در آینده افغانستان و ایران نیز به مذاکرات دعوت شوند و در پایان این جلسه نسبت حضور و فعالیت داعش و سایر گروه‌های دهشت افکن در افغانستان ابراز نگرانی شد و چنان نشان دادند که برای صلح و ثبات در افغانستان کار خواهند کرد و هم روسیه متذکر گردید که با طالبان در زمینه مبارزه علیه داعش در افغانستان علاقمندی مشترک دارد.

با این تذکرات مختصر دیده می‌شود که افغانستان بسوی یک بحران پیش می‌رود که اگر برای رفع این میلان خطرناک اقدامی نشود و به نحوی از آن جلوگیری نگردد نه تنها این بحران افغانستان را بی‌ثبات تر و به مرکز آشوبهای منطقوی و جهانی تبدیل خواهد کرد بلکه این آتش دامنگیر جهان نیز خواهد شد. افغانستان در محراق توجه جهان از سال ۲۰۰۱ به بعد قرار داشته و تا کنون ملینارد ها دالر برای مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت و ثبات و صلح در افغانستان به مصرف رسیده ولی بحران کماکان دوام داشته و امنیت روز به روز بدتر و بحران سیاسی در درون حکومت وحدت ملی هم آشکارتر گردیده است.

ابعاد خارجی بحران افغانستان:

ضمیر کابلوف، نماینده خاص رییس جمهور روسیه گفته که کشورش از موجودیت چندین پایگاه نظامی نیروهای امریکایی در افغانستان شدیداً نگران است. ضمیر کابلوف در گفتگو با ژانسن خبری اناتولی ترکیه گفته است که اگر روسیه در مکزیکو اقدام به تأسیس پایگاه نظامی کند، این کار برای امریکا بسیار آزار دهنده خواهد بود. ما میدانیم که هدف از ادامه حضور نظامی امریکا در افغانستان چیست و روسیه هیچگاه اجازه تحقق این هدف را نخواهد داد.

این دیپلمات بلند رتبه روسی گفت که بعد از اینکه امریکا در سال ۱۹۷۹ میلادی از ایران به زور خارج شد، این کشور یکبار دیگر در پی یافتن یک پایگاه نظامی جدید در منطقه برآمد و افغانستان گزینه خوبی برای حضور نظامی امریکایی ها در منطقه بود. وی تأکید کرد که امریکا با حضور نظامی اش در خاک افغانستان در تلاش است تا به روسیه، چین، ایران و پاکستان نزدیک باشد. کابلوف گفته است: با موجودیت این پایگاه ها، امریکا میتواند فقط در ظرف دو یا سه هفته یکصد هزار عسکر را در این پایگاه ها مستقر نماید. اما براساس پیمان امنیتی که میان افغانستان و امریکا امضاء شده این کار تهاجم محسوب نمی شود. او گفت «ما در اول نیز به افغانستان هشدار داده بودیم که امضای پیمان امنیتی پیامد هایی را به دنبال خواهد داشت به خصوص اگر امریکا از این پایگاه ها علیه منافع ملی ما کار بگیرند. اما مقام های افغان گفتند که امریکایی ها تعهداتی را داشته اند، اما ما خوب میدانیم که تعهدات امریکایی ها چگونه هستند»

کابلوف در رابطه به ریاست جمهوری دونالد ترامپ گفت: ما امیدواریم که دونالد ترامپ یک رویکرد جدیدی را در قبال افغانستان روی دست گیرد. امیدواریم وی به چندین مسئله مهمی که باعث نگرانی روسیه و کشورهای منطقه به شمول چین، ایران و پاکستان شده است بپردازد. در رابطه به گروه طالبان کابلوف گفت: «در نخست باید بگوییم که طالبان مشابه همدیگر نیستند، شاخه های زیادی با ایدئولوژی و مفکوره های متفاوت در صفوف طالبان وجود دارند. طالبان به همان لحن سخن میگفتند که امروز داعشی ها سخن میگویند». اما کابلوف تصریح کرد که رهبری فعلی طالبان و اکثریت از کسانی که در صفوف طالبان فعالیت دارند در واقع نیروهای محلی می باشند. ضمیر کابلوف اظهار داشت: من صلح را در آینده این کشور می بینم، اما باید شرایطی در این پیوند فراهم گردد. وی افزود: «نخستین موضوع این است که یک آینده صلح آمیز باید امروز ساخته شود. اگر در کمک های بین المللی تغییری بوجود نیاید و این کمک ها به افغانستان منجر به تقویت دولت، اقتصاد و اردو نشود، افغانستان هیچ آینده ای ندارد. او گفت: افغانستان در ۲۰ سال آینده از هم پاشیده می شود و ما دنبال این اتفاق نیستیم و این برخلاف منافع کشور روسیه و تمامی منطقه است. کابلوف در بخش دیگری از این مصاحبه خاطر نشان کرد: «این موضوع می تواند بسیار خطرناک باشد و ما بر این باور داریم اگر این سه عامل در کنار هم تقویت شوند، صلح در افغانستان ایجاد می شود و در غیر این صورت افغانستان از روی نقشه محو خواهد شد، جنگ همه علیه همه رخ خواهد داد و بخش های از کشور اعلام استقلال خواهند کرد».

بر نکات عمده این اظهارات کابلوف اندکی تأمل می کنیم:

کابلوف می گوید: «ما میدانیم که هدف از ادامه حضور نظامی امریکا در افغانستان چیست و روسیه هیچگاه اجازه تحقق این هدف را نخواهد داد».

از این جمله کابلوف واضحاً معلوم می شود که روسیه باز دست و آستین بر زده است که نگذارد افغانستان مسیر دیموکراسی را که تازه درین راه قدم گذاشته است طی نماید و با همدستی ایران دوست تازه وارد و نزدیک روسیه و شریک پلانهای روسیه در شرق میانه مخصوصاً عراق و سوریه و لبنان مانع نزدیکی افغانستان با جهان غرب در رأس ایالات متحده گردد که درین راستا هم اهداف دیرینه ایران با خصومت دیرینه ای که با ایالات متحده امریکا دارد و از همان آغاز نزدیکی افغانستان با ایالات متحده و ناتو در پی تخریب این قرابت گردید و هر آنچه در توان داشته با استخدام گماشتگانی در افغانستان و هم از طریق تبلیغات رسانه های ایرانی و رسانه های اجیر داخلی بر ضد امریکایی ها و غربی ها به موفقیت های هم نایل گردیده و اذهان عامه را بر علیه غرب برانگیخته، بر آورده می شود و هم روسیه باز هم بنا بر طرح جدیدش نفوذ قبلی خود را که با شکست فاحش بعد از ده سال اشغال افغانستان خورد دوباره بدست می آورد و این اظهارات او نیت شوم روسیه و متحدین جدید او، پاکستان، چین و ایران را نشان می دهد. گر چه چین

تا کنون در رابطه با مداخله در افغانستان اظهارات و یا مداخلاتی نشان نداده و نمی توان گفت که چین با چنین پالیسی توافق داشته باشد.

چنان معلوم می شود که کابلوف به نمایندگی از ایران، چین، و پاکستان هم سخن می گوید چون می گوید که امیدوار است حکومت ترمپ به این مساله و نگرانی های دیگر همسایگان افغانستان به پردازد. این اظهارات ضمیر کابلوف هشدار و فشاری است به دولت افغانستان و حامیان بین المللی آن که خواسته ها و نقش همسایگان را نادیده نگیرند. این اظهارات جدید کابلوف درین مقطع زمان که از یک جانب حکومت جدیدی به رهبری دانالد ترمپ و حزب جمهوریخواه در ایالات متحده در حال شکل است و یقیناً در سیاست خارجی حکومت جمهوریخواهان افغانستان یکی از اولویت های آن قرار خواهد داشت، روسیه و مؤتلفین جدید او، چین، پاکستان و ایران، سعی دارند اعمال نفوذ نمایند تا حکومت جدید امریکا به آنها گوشه چشمی نماید مخصوصاً که آقای ترمپ از نزدیکی با روسیه سخن می گوید و یکی از طرفداران پوتین قلمداد می شود.

این اقدامات روسیه نمایانگر تولد نا میمون ائتلاف و یا اتحاد دیگری از طرف همسایگان علیه افغانستان و متحدین بین المللی آن است. اگر ایران و روسیه و چین و پاکستان موقف مشترکی برای تأمین منافع منطقه ای شان و تحقق اهدافی که در افغانستان دارند اتخاذ نمایند، بعید نیست که تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان نیز که از اعمار سابقه اتحاد شوروی سابقه بودند به چنین حلقه ای به پیوندند که دران صورت افغانستان در یک محاصره سیاسی و اقتصادی قرار خواهد گرفت. این ائتلاف و یا اتحاد بر ضد افغانستان نه بلکه بر ضد و خصومت با ایالات متحده امریکا و ناتو خواهد بود که باز هم افغانستان قربانی یک کشمکش دیگر جهانی و یکی از حلقه های یک بازی بزرگ دیگری بدون خواست خودش خواهد بود و به چنین مصیبتی کشانیده خواهد شد و روسیه درین کشمکش ها هم انتقامش را از افغانستان و شکست فاحشی که در افغانستان به حمایت جامعه بین المللی خورد خواهد گرفت و هم با همدستی پاکستان و چین و ایران همچنان موقف بین المللی ایالات متحده و ناتو را در جهان با ناکام ساختن آنها در افغانستان ضعیف خواهد ساخت تا دیگر هیچ کشوری اعتمادی به یگانه ابر قدرت کنونی جهان نکند. و از جانب دیگر ایران و روسیه با اتحاد و همکاری که با رژیم اسد در سوریه نمودند و این رژیم ظالم را بر اریکه قدرت نگه داشتند و مخالفین آنرا سرکوب و شهر های این کشور را ویران و مردمان آنرا قتل عام نمودند، به افغانها و حامیان آنها میخوانند گوشزد نمایند که اگر به خواست آنها گوش داده نشود عواقب سوریه به سراغ آنها خواهد آمد. یکی از شخصیت های مطرح در امور سیاسی افغانستان و یکی از رهبران جهاد محمد اسماعیل خان هم درین رابطه ابراز نگرانی کرده می گوید: «اگر حکومت وحدت ملی به کمک مردم و سران برجسته کشور این بحران را مدیریت نکند افغانستان به سوریه دوم مبدل خواهد شد پیشنهاد من به این حکومت این است که هرچه زود تر با یک بسیج ملی توسط شخصیت های ملی این سرزمین از بحران جدی تری که در سال آینده در انتظار ما خواهد بود، افغانستان را نجات دهند»

در حالی که حکومت افغانستان نسبت به نشست سه جانبه مسکو به شدت اعتراض کرده، ایالات متحده امریکا با عکس العمل متفاوت از آن استقبال می کند.

جان کری، سخن گوی وزارت خارجه امریکا به رسانه ها گفته است و اشننگتن از هر تلاش جهانی که به روند صلح افغانستان کمک کند، استقبال می کند ولی در عین زمان تأکید دارد که در مشوره ها حکومت افغانستان باید سهیم باشد. از این عکس العمل ایالات متحده امریکا چنین بر می آید که احتمالاً این مجلس با توافق ایالات متحده دایر گردیده و احتمال آن هم می رود که جامعه جهانی معضله افغانستان را به یک مشکل منطقه ای تبدیل دهد و می خواهد این معضله

در سطح منطقه و بین کشورهای همجوار نزدیک و دور افغانستان حل گردد که همان سیاست دیرینه پاکستان است که از سالها روی آن تأکید دارد و بدینترتیب ایالات متحده و متحدین غربی به مرور زمان پای شانرا از این معضله بیرون بکشند .

اگر چنین سیاستی روی دست باشد که احتمال آن با در نظر داشت تعهداتی که اخیراً در بروکسل تجدید گردید کمتر می رود، سرنوشت تعهداتی که کشور های متعدد غربی و در رأس ایالات متحده آمریکا با امضای توافقنامه های ستراتیژیک و امنیتی با افغانستان داده اند چه می شود؟ ولی طوریکه از سفر اخیر معاون وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا به افغانستان و مذاکرات او با رهبران این کشور بر می آید ایالات متحده به تعهدات خود در برابر افغانستان پابند است زیرا وی صریحاً گفت که مناسبات افغانستان و ایالات متحده نه تنها دوام خواهد کرد بلکه مستحکمتر خواهد گردید و سخنگوی وزارت دفاع ایالات متحده نیز تعهدات آمریکا را به تقویة قوای امنیتی افغانستان تجدید نمود و اعلام گردید که در بهار، ۳۰۰ عسکر قوای خاص ایالات متحده در هلمند جایجا خواهند گردید. مزید بر آن اگر ایالات متحده آمریکا و سایر کشور های دور نزدیک افغانستان که با این کشور معاهدات امنیتی و ستراتیژیک امضا کرده اند در مقابل پلانهای شوم روسیه و همسایگان، بی تفاوت بمانند با حیثیت و اعتبار بین المللی شان بازی خواهند و بعید به نظر می رسد که بگذارند نیات شوم آنانی که خواب بلعیدن افغانستان را می بینند به این آرزوی نا پاک شان برسد.

ابعاد داخلی بحران افغانستان

اما همانطوری که گفته شد این تنها بُعد خارجی صلح افغانستان نیست که با مشکل مواجه است و چندین جهت و مملکت از ابر قدرت ایالات متحده گرفته تا چین و روسیه و ناتو و ملل متحد دران مستقیم و یا غیر مستقیم ذیدخل هستند، بلکه ابعاد داخلی آن هم به همان پیمانه معلق و پیچیده است که ابعاد خارجی آنست. از جمله موافقتنامه صلحی که با حزب اسلامی حکمتیار هم پنج ماه قبل امضا شد و رفع تعزیرات و هم آزادی تمام زندانی های حزب اسلامی نزد دولت افغانستان و شاید هم در جا های دیگر از خواسته های عمده این حزب است ، هم با مشکل کلی بر خورده است. این تعزیرات شامل سفر رهبران حزب هم می شود. گزارش های تازه می رساند که روسیه مانع رفع تعزیرات و حذف نامهای آنها به شمول حکمتیار از لیست سیاه ملل متحد است.

این اقدام روسیه ممکن توافق صلح حکومت افغانستان با حزب اسلامی را پیچیده تر کند.

روسیه گفته است که به تقاضای افغانستان برای رفع تعزیرات به زمان بیشتر نیاز دارد. بر اساس مقررات ملل متحد، اعضای شورای امنیت این سازمان شش ماه وقت دارند تا دلیل مخالفت خود را در این گونه مسایل ارائه کنند.

ولی سخنگوی وزارت خارجه روسیه گفته که مسکو موضوع دور کردن نام آقای حکمتیار را از لیست سیاه سازمان ملل متحد به حالت تعلیق در آورده است، اما مانع آن نشده است.

به این ترتیب و در صورت تعلیق رفع تعزیرات علیه حکمتیار موضوع تطبیق موافقتنامه صلح با حزب اسلامی نیز برای شش ماه دیگر به تعویق می افتد که گره دیگری است بر پیچیدگی اوضاع و بحران سیاسی افغانستان.

پیچیدگی عمده دیگر در بحران سیاسی داخلی افغانستان آمدن جنرال دوستم با حد اقل دو هزار مرد مسلح از جوزجان از طریق زمین به کابل است.

همین اکنون این نیروها در بخش های از کابل به شمول تپه وزیر محمد اکبر خان و شیر پور جایجا شده اند.

پیش از آمدن معاون اول به کابل احمد ایشچی والی پیشین جوزجان ادعا کرده بود که جنرال دوستم و محافظان اش او را لت و کوب بلکه با وی بد رفتاری جنسی کرده اند.

احمد ایشچی تقریباً سه هفته قبل طبق ادعا توسط افراد منسوب به رشید دوستم در میدان بزکشی گرفتار و لت و کوب شده و به او بد رفتاری جنسی شده است. این ادعا تحت تحقیق است و فشارها از داخل و خارج کشور بر حکومت وارد شده تا موضوع را جدی گرفته و عدالت را تامین کند. سارنوالی ورقه جلب دوستم را برای تحقیق فرستاد ولی دفتر معاون اول رئیس جمهور آنرا غیر قانونی خوانده و قبول نکرده است و دوستم هم حاضر نیست تحقیق بدهد و آمدن او با دو هزار و یا بیشتر ملیشه های مسلح مربوط او به کابل وارد کردن فشار بر حکومت برای انصراف از این دعوی است. اما وزارت دفاع افغانستان می گوید، افرادی که با معاون اول به کابل آمده اند نیروهای مربوط به دولت اند.

اخیراً عطا محمد نور سرپرست مقتدر ولایت بلخ و رئیس اجرائیه حزب جمعیت اسلامی یکی از شرکای حکومت وحدت ملی، مذاکراتی مستقیماً با اشرف غنی رئیس جمهور انجام داده و مدعی است که هدف این گفت و گو ها تحکیم موضع جمعیت در حکومت و احقاق حقوق آن به حیث شریک حکومت بوده است.

در حالیکه داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه به نمایندگی از جمعیت اسلامی در حکومت شامل بوده و از آن جناح نمایندگی میکند مشوره ها و گفت و گو های عطا محمد نور با رئیس جمهور سوال بر انگیز بود و نشان میدهد که اختلافاتی در جمعیت اسلامی وجود دارد چنانچه عطا محمد نور در یکی از مصاحبه هایش اخیراً اظهار داشت که داکتر عبدالله یا صلاحیت نداشته و یا نتوانسته از حق جمعیت در حکومت دفاع کند. این خود نمایانگر اختلاف بین عبدالله عبدالله جمعیت در حکومت و عطا محمد نور و گروه دیگری در جمعیت اسلامی است. این روش عطا محمد نور موجب آن شد که یک تعداد از رهبران جمعیت به شمول داکتر عبدالله، یونس قانونی، حفیظ منصور، بسم الله خان و تعداد دیگری جلساتی داشته باشند ولی از نتایج این جلسات شان معلوماتی در دست نیست اما این جلسات در عکس العمل به مذاکرات مکرر عطا محمد نور با اشرف غنی بوده است و ابراز نظر برخی از رهبران جمعیت به شمول اسماعیل خان را بر انگیخت که می گوید: " استاد عطا در کمپاین های انتخاباتی داکتر عبدالله بسیار تلاش کرد هم معنوی و هم مادی و توقع داشت که امتیازات بیشتری داشته باشد لاف شخاصاً به یکی از پست های بلند تر در حکومت یا این که در خود ولایت بلخ به صفت والی باقی بماند، و این ها سبب شدند که کمی آزرده باشد. اما این به معنی اختلاف ها نیست".

با در نظر داشت این همه کشمکش ها و طرح های و پلانهای کشور های همسایه دور و نزدیک و اختلافی که در رهبری حکومت وحدت ملی وجود دارد و هر روز آفتابی تر می شود در رابطه با گزینه اصلی برای حکومت وحدت ملی جهت بیرون رفت از معضله می توان چنین ابراز نظر کرد:

چون مشکل افغانستان یک مشکل منطقی با دخالت جامعه بین المللی به شمول ایالات متحده و ناتو و سایر کشور ها و بنا بر تصویب و تأیید ملل متحد برای بیرون راندن طالبان از قدرت و تشکیل سیاسی جدید در افغانستان هست راه حل آن نیز لازم است در سطح منطقه و به کمک جامعه بین المللی به شمول کشور های ذیدخل جست و جو شود.

مشکل داخلی افغانستان که شامل وخامت اوضاع امنیتی و اقتصادی، بیکاری، و فرهنگی است مستلزم جست و جوی ریشه یابی های چنین بحران شامل تقاضا های حکومت از مردم و خواست های مردم از حکومت است. اقدام به بر آورده ساختن تقاضا های مردم از جانب حکومت و جلب اعتماد دولت و همچنان اطاعت و همکاری مردم با دولت از شرایط اولیه هر گونه صلح و همبستگی در افغانستان است.

بهترین گزینه این خواهد بود که یک کنفرانس منطقه‌ای به شمول کشور های همسایه و هم سرحد افغانستان، همسایگان دور و کشور های دور تر مثل هند، عربستان سعودی، اتحادیه امارت عربی، پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت ملل متحد، و کشور های عضو ناتو و سایر کشورهای عمده دیگر مثل جرمنی که در پانزده سال گذشته در مبارزه علیه دهشت افگنی در افغانستان و مساعدت به کشور سهیم بودند تحت نظر ملل متحد دایر گردد تا تصامیم این کنفرانس هم تضمین بین المللی داشته باشد و هم قدرت و صلاحیت اجرایی.

در غیر این صورت کنار آمدن با هر یک از جناحان بطور جداگانه نه تنها عمر نوح و صبر ایوب می طلبد بلکه هر روز از این ملت مظلوم و فداکار قربانی خواهد گرفت

پایان

